

جلب کردن توجه شاگردان

جبار باغچه بان

اشاره

وزارت معارف، در سال ۱۳۱۴، نوشتن مقاله‌ای را تحت عنوان «چگونه توجه شاگردان را به درس جلب می‌کنید؟» میان آموزگاران، دبیران و مدیران مدارس کشور به مسابقه گذاشت که جایزه‌ی اول آن معادل دویست ریال کتاب بود. از کسانی که به دریافت جایزه‌ی اول نایل آمدند، از میان آموزگاران، جبار باغچه بان و از میان مدیران، محمد معین، مدیر دانش‌سرای مقدماتی اهواز (بعدها استاد دانشگاه تهران) بودند. هم‌زمان با هفته‌ی بزرگداشت مقام معلم و برای آن که یادی از معلم بزرگوار مرحوم جبار باغچه بان کرده باشیم، مقاله‌ی وی را با کمترین تغییر و ویرایش در بی می‌آوریم.

قبل از خواندن پاسخ اعجوبه‌ی تعلیم و تربیت کشورمان، اندکی درباره‌ی موضوع این مقاله تأمل کنید و به پرسش مذکور پاسخ دهید. آن‌گاه جواب جبار باغچه بان را بخوانید و دانش، آگاهی و مهارت‌های امروز خودتان را با سال‌ها پیش مقایسه کنید.

جواب این سؤال، هر چند مختصر و کوچک می‌نماید، محتاج به شرح و تفصیل بسیار است، زیرا دروس و کلاس‌های متعدد و راه‌های جلب توجه شاگردان نسبت به انواع درس‌ها و کلاس‌ها متفاوت است و در سه صفحه، که برای جواب تعیین شده است، نمی‌توان مطلب را، چنان که باید و شاید، بیان و هم‌ه‌ی آن طریق و یا لاقبل بعضی از آن‌ها را به‌طور نمونه یاد کرد. بدین جهت نگارنده، در جواب سؤالی که طرح شده است، به ذکر دلایل فنی اکتفا و از تطبیق عملی آن با دروس متنوع در کلاس‌های گوناگون صرف‌نظر می‌کنم.

به‌طوری که در روان‌شناسی محقق شده است، توجه و انتباه بر دو قسم است: یکی موقت و آنی، که معمولاً بدون اراده دست می‌دهد، و دیگری ثابت و دائم، که از روی اراده به دست می‌آید. توجه موقت و آنی مانند توجه به آواز و یا روشنائی است که ناگهان شنیده و یا دیده شود و توجه دائم و ثابت مانند توجه به سخن ناطق و یا مطالب یک کتاب است که شخص از روی اراده، فکر خود را جمع می‌کند تا آن را بفهمد. قسم اول از توجه هرچند دوام و ثابت ندارد، به منزله‌ی شالوده و اساس قسم دوم و فن‌تعلیم و تربیت دارای اهمیت مخصوصی است.

اسباب و عواملی که به وجود آورنده‌ی این دو قسم از توجه هستند و آموزگار در توجه ساختن شاگردان به درس از آن‌ها استفاده می‌کند، متعدد و متنوع و بعضی از آن‌ها به قرار ذیل است:

■ برای جلب نظر به‌طور موقت

۱. ناگهانی و غرابیت

چنان که بارها مشاهده کرده و آزموده‌ایم، هر آواز که ناگهان به گوش آید و هر حرکت تازه و نایبوسان که حادث گردد، انسان را بدون اراده و اختیار به خود متوجه می‌سازد، ولی دوام و بقای این توجه بسته به اهمیت آثار و نتایج آن آواز و یا حرکت است. شخصی که خود را

به شکلی عجیب ساخته است و یا به طریزی غریب لباس پوشیده باشد، نظر دیگران را به خود جلب می‌کند. بعضی از شرکت‌های بزرگ را دیده‌اید که چندین چراغ کوچک و متحرک را که پی‌درپی روشن و خاموش می‌گردد، بر سر در مغازه‌های خود می‌آویزند تا نظر گذرندگان را به امتعه یا اعلانات خود متوجه و معطوف دارند و این تدابیر که به کار می‌برند بی‌اساس نیست، بلکه سبب و علل علمی دارد که مربوط به فن روان‌شناسی است.

۲. تلون و تنوع

یکی از وسایل جلب توجه، تلون و تنوع و به لفظ جامع و علمی حرکت یا تغییر و تبدیل است. هرگونه تنوع و تغییری، مخصوصاً تنوع رنگ‌ها، نظر انسان را بی‌اراده و اختیار به خود متوجه و معطوف می‌دارد. سینماها و شرکت‌ها، به وسیله‌ی رنگین ساختن اعلانات و یا تصاویر امتعه‌ی خود، انظار عام را جلب می‌کند. یک آبشار یا نهر روان و هم‌چنین یک چرخ‌گردنده یا یک پروانه که در حال بال‌زدن است، بیش از یک استخر آرام و بی‌آواز و یا یک بنای عالی ثابت و بی‌حرکت و یا مرغی که در جای خود قرار دارد، توجه انسان را به خود معطوف می‌سازد. ولی همین حرکت هم، اگر به یک وضع دوام یابد، رفته‌رفته از اهمیت می‌افتد و فی‌المثل گردش یک‌نواخت و متمادی یک ماشین، هر قدر عجیب، و آواز لاینقطع یک آهنگ موسیقی، هر قدر دل‌کش باشد، همین که چشم و گوش به آن عادت کرد، تأثیرش کم، بلکه به تدریج تمام می‌شود؛ چنان که تماشای یک ماشین بزرگ در نظر کارگران آن ماشین با دیدن یک عمارت ثابت و بی‌حرکت تفاوتی ندارد.

خلاصه آن که، برای جلب توجه اشخاص، تنوع و تجدد دائم و مستمر لازم است و صاحبان فنون و صنعت خود متوجه سازند. آموزگار هم که یکی از ارباب فنون است، می‌تواند به واسطه‌ی تطبیق این دو ماده در

عملیات خود، از آن‌ها استفاده کند. لیکن اتاق درس آموزگار شبیه به مغازه‌ی یک شرکت نیست که مثل صاحب آن مغازه، مقصودی جز جلب توجه آنی عابری‌ن نداشته باشد. آموزگار مجبور است به فکر صائب، هر روز تدبیری اندیشد و وسیله‌ای فراهم آورد تا بتواند، در عقب جلب آنی توجه شاگردان، نظر آن‌ها را به‌طور ثابت و دائم به دروس خود متوجه و به فراگرفتن آن‌ها شایع و آرزومند سازد.

■ برای جلب توجه به‌طور ثابت

۳. تصور فایده

انسان وقتی از روی اراده به چیزی مایل و متوجه می‌شود که در آن چیز فایده و نفعی برای خود تصور کند. گرسنه، متوجه طعام و تشنه، متمایل به آب است. اما این‌گونه توجهات یا تمایلات غریزی، که فایده‌ی آن‌ها حفظ حیات جسمانی است، اوقات معینی دارند و انسان تشنه، همین که سیراب شد، دیگر میل به آب نمی‌کند و گرسنه، پس از آن که سیر گردید، به طعام رغبتی ندارد. در برابر این تمایلات، نوع دیگر از تمایلات است که وقتی معین نداشته و اثر آن‌ها ثابت و دائم است و از جمله، که به‌طور مثال یاد می‌شود، تمایل انسان است به جمع آذوقه و تهیه‌ی وسایل آسایش برای زمستان، که این تمایل یا توجه در سراسر فصل‌های دیگر با او بوده و هیچ‌گاه از آن خسته و ذهنش از آن منصرف نمی‌گردد. مثال دیگر: هزاران اشخاص از جلوی مغازه‌ی یک نفر عتیقه‌فروش می‌گذرند و ظروف و اسباب‌کهنه را، که مرتباً در پشت شیشه‌ها چیده است، می‌بینند و بدان‌ها توجهی نمی‌کنند. اما یک نفر عتیقه‌شناس متخصص، چون از آن بگذرد، فوراً می‌ایستد و به تماشای ظروف و اسباب مشغول می‌گردد. نتیجه آن که میل و توجه به غذا و آب با میل توجه به جمع آذوقه برای زمستان یا شناختن یک ظرف قدیم تفاوت کلی دارد. زیرا اولین را احتیاجات طبیعی تحریک کرده و اثر آن موقت و زایل است، اما دومین در نتیجه‌ی

ابتکارات باغچه بان

ابتکارات ویژه‌ی باغچه بان در آموزش عبارت بودند از:

- روش شفاهی در تعلیم ناشنوایان
- آموزش روش حساب ذهنی به ناشنوایان
- گاه‌نجر (گاه‌نما) وسیله‌ای برای نشان دادن پستی و بلندی‌های اقیانوس‌ها روی نقشه به کودکان
- الفبای گویا
- گوشی استخوانی یا تلفن گنگ.

به فکر و تعقل خود قضاوت و ثمره و نتیجه‌ی درس را استنباط نمایند. مثلاً در درس جغرافیا، در موقعی که محل شهرهای ایران را در نقشه نشان می‌دهد از شاگردان بپرسید که اگر شما همه شهرهای ایران را از روی نقشه بشناسید، چه فایده‌ای می‌توانید ببرید؟ بدیهی است که شاگردان در این وقت فکر می‌کنند و پس از اندکی تفکر، فی‌المثل می‌گویند: «می‌توانیم در تمام شهرهای ایران بدون راهنمایی دیگران گردش کنیم.» پس آموزگار می‌پرسد که اگر نقشه تمام زمین را به خوبی بشناسید، چه فایده‌ای می‌برید؟ و شاگردان فی‌المثل جواب می‌دهند که می‌توانیم تمام روی زمین را بی‌دلالت دیگران سیاحت نماییم و هکذا در نتیجه‌ی این گونه سؤالات و جواب‌هایی که شاگردان به فکر و تعقل خود می‌دهند، میل به مسافرت و سیاحت در مغزهای آن‌ها ایجاد می‌شود و به دانستن جغرافیا شایق می‌گردند و درس جغرافیا را با کمال توجه گوش می‌دهند و فرا می‌گیرند و آموزگار، برای این که این تمایل در مغز آن‌ها قوی‌تر گردد، به اندازه‌ای که درس جغرافیا پیش می‌رود، آن‌ها را وادار می‌کند که از روی نقشه برای خود، طرح سیاحت بریزند. در مسافرت از شهری به شهری دیگر، از کدام نقاط عبور خواهند کرد؟ و در سیاحت‌های بعد به آن‌ها دستور می‌دهد که معین نمایند، هر متاع و محصول را از کجا به‌دست می‌آورند و در کجا به مصرف می‌رسانند؟ و یا از آب و هوای هر محل چه بهره و تمتعی می‌یابند؟ و همین ترتیب را در درس‌های «تاریخ» و «علم‌الاشیا» و «تاریخ طبیعی» و «هیأت» و «فیزیک» و غیره (هر درس برحسب خود) معمول می‌توان داشت که تا شاگردان در عالم فکر و خیال درصدد استفاده از معلومات خود باشند و تمایل فکری و روحی آن‌ها به موضوع درس روزبه‌روز قوی‌تر و جلب توجه آن‌ها آسان‌تر گردد.

اصولی که مختصراً ذکر شد از نظر علمی و فنی و به‌طور کلی بود و آن چه اهمیت و اشکال دارد، تطبیق این اصول به انواع درس‌ها

این موضوع، افسانه را از سر می‌گیرند و بدین وسیله خواننده را طوری مجذوب می‌سازند تا کتاب را تمام نکنند، آرام نگیرند. اغلب ما به این نکته متوجه شده‌ایم که اطفال به دیدن جاهای تاریک و چاه‌های عمیق تا چه حد مایل و در فهمیدن مطالبی که برای آن‌ها مبهم و یا از آن‌ها پنهان داشته می‌شود تا چه اندازه حریص و مولعند. بنابراین، می‌توانیم از این تمایل شدید که ودیعه‌ی فطرت آن‌هاست به لطف تدبیر استفاده و آن‌ها را به دروس خود متوجه سازیم.

■ نتیجه

برای متوجه ساختن شاگردان به درس‌های خود، بهترین ترتیب این است که آموزگار در ابتدای کار از ماده‌ی اول و دوم (غراب و تازگی) استفاده کند و موضوع درس را به وسایل مناسبی تازه و رنگین نموده، مورد توجه موقت شاگردان قرار دهد و پس از آن از ماده‌ی سوم و چهارم استفاده و وسایل توجه ثابت و دائم آن‌ها را فراهم کند. شاگرد، وقتی که فایده و نتیجه‌ی درس را دانست، طبعاً بدان راغب و مایل و متوجه می‌گردد و شاگرد، فایده و نتیجه‌ی درس را آن وقت بهتر می‌فهمد که درس ساده و با درجه‌ی فهم و استعداد وی متناسب باشد. پس آموزگار باید بیشتر سعی و همت خود را بر آن گمارد که شاگردان به فایده‌ای که در نتیجه‌ی درس عاید آن‌ها خواهد شد ملتفت شوند. و مقصود این نیست که معلم فواید درس را برای آن‌ها بشمرد و آن‌ها هم طوطی‌وار فراگیرند و تکرار کنند؛ بلکه مقصود این است که آن‌ها را بر آن دارد که خود

محاکمات عقلی تولید شده است و هر قدر به کار برده شود، به قوت و شدت آن می‌افزاید.

۴. نقص یا ابهام مطالب

انسان از روزی که چشم و گوشش باز می‌شود، در نتیجه‌ی تمایل غریزی، به تجسس و کنجکاوی محیط خود مشغول می‌گردد و فی‌المثل می‌خواهد بداند ماه و ستاره چیست، ابر چگونه پیدا می‌شود و برف و باران و تگرگ از کجا می‌آید و نسیمی که به صورت او می‌خورد، چرا با چشم دیده نمی‌شود و مختصر آن که به دانستن رموز و اسرار این جهان که برای او مجهول است، توجهی مخصوص دارد. پیدایش اغلب علوم و فنون و اختراعات و اکتشافات مهم، به دلیل همین تمایل روحی یا فطری است که آفریدگار در نهاد آدمی به ودیعت نهاده است.

پس یکی از بهترین وسایل فنی برای جلب توجه شاگردان، در بعضی از مواقع ناقص و نیمه‌تمام گذاردن موارد مطالب درس است. چنان که اعلان نویس‌های باتجربه را همه دیده‌ایم که به وسیله‌ی مبهم نوشتن، مدت‌ها مردم را به اعلان خود متوجه می‌دارند و سینماها، به ناقص نشان دادن یک پرده، تماشاچیان خود را به تماشا و مشاهده‌ی آن پرده مشتاق می‌سازند. قصه‌گویان سخن‌ور قصه‌ی خود را در نقطه‌ی باریکی قطع و بدین تدبیر مستمعین را به شنیدن باقی قصه می‌گذارند. رمان‌نویسان عموماً در تألیفات خود این شیوه را به کار می‌برند و شرحی از افسانه‌ی خود را در مقدمه‌ی کتاب می‌نویسند و بعد از



آثار جبار باغچه‌بان

- برنامه‌ی کار آموزگار - ۱۳۰۲
- الفبای آسان - ۱۳۰۳
- الفبای دستی مخصوص ناشنوایان - ۱۳۰۳
- زندگی کودکان - ۱۳۰۸
- گرگ و چوپان - ۱۳۰۸
- خانم خزوک - ۱۳۱۱
- پیر و ترب - ۱۳۱۱
- بازیچه‌ی دانش - ۱۳۱۱
- دستور تعلیم الفبا - ۱۳۱۴
- علم آموزش برای دانش‌سراها - ۱۳۲۰
- بادکنک - ۱۳۲۴
- الفبای خودآموز برای سال‌مندان - ۱۳۲۶
- پروانه‌نین کتابی - ۱۳۲۶ (ترکی)
- الفبا - ۱۳۲۷
- اسرار تعلیم و تربیت یا اصول تعلیم الفبا - ۱۳۲۷
- الفبای گویا - ۱۳۲۹
- برنامه‌ی یک ساله - ۱۳۲۹
- کتاب اول ابتدایی - ۱۳۳۰
- حساب - ۱۳۳۴
- کتاب اول ابتدایی - ۱۳۳۵
- آدمی اصیل و مقیاس واحد آدمی - ۱۳۳۶
- درخت مروراید - ۱۳۳۷
- خیام آذری - ۱۳۳۷ (ترکی)
- رباعیات باغچه‌بان - ۱۳۳۷
- روش آموزش کر و لال‌ها - ۱۳۴۳
- من هم در دنیا آرزو دارم - ۱۳۴۵
- بابا برفی - ۱۳۴۶
- عروسان کوه - ۱۳۴۷
- زندگی‌نامه‌ی باغچه‌بان به قلم خودش - ۱۳۵۶
- شب به سر رسید - ۱۳۳۳
- کبوتر من، کبوتر من - ۱۳۳۳

و دیگر از نکاتی که باید دانست این است که در کلاس‌های اول، دوم و سوم، برای جلب توجه شاگردان، موارد اول و دوم و چهارم مفید است، زیرا در این دوره اطفال بیشتر تابع احساسات هستند و احساس آن‌ها از تعقل آن‌ها قوی‌تر و بدین جهت مواد مذکوره، به خصوص ماده چهارم؛ در جلب آن‌ها بیشتر مفید و مؤثر است. وقتی که معلم دستمال خود را، که فی‌المثل مجسمه‌ی اسب در آن پیچیده است، روی میز می‌گذارد، اگر در آن حال عکسی از کلاس برداشته شود، درجه‌ی توجه شاگردان به خوبی مشهود خواهد شد که چگونه همگی گردن کشیده و چشم‌های خود را که به حیرت باز است؛ بدان دوخته‌اند. در خاتمه چون برای اظهار عقیده، بیشتر از این فرصت نبود، به عرایض فوق اکتفا و نظر قارئین را به مضمون این شعر که شرط اول جلب توجه شاگردان محسوب است، در آخر جلب می‌نمایم:

درس ادیب اگر بود زمزمه‌ی محبتی
جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

در کلاس‌های گوناگون است که هر یک چگونه و در چه شکل باید معمول شود. مثلاً در استفاده از موضوع غرابت و تازگی، باید دانست که نه تنها درس هر روز باید نسبت به درس روز سابق تازه و غریب باشد، بلکه حرکات و رفتار و طرز تعلیم و آهنگ سخن آموزگار نیز با روز قبل متفاوت باشد. همچنین در به‌کار بردن موضوع تنوع و تلون، تنها متنوع بودن وسایل تعلیم کافی نیست، بلکه باید در وضع تعلیم و نطق هم تنوعی ایجاد گردد و فی‌المثل به وسیله‌ی ایراد امثله و شواهد گوناگون درس را رنگین ساخت. موضوع نقص و ابهام که ماده‌ی چهارم است نه تنها در طرز بیان و تألیف دروس، بلکه در اشیای مربوط به درس و وسایل تعلیم نیز باید رعایت شود و فی‌المثل نمونه‌ی سنگ یا گیاه یا حیوانی را که می‌خواهند به اطفال نشان دهند، در جعبه یا کاغذ یا دستمالی قرار دهند که اطفال در ابتدا آن را سر بسته ببینند و به دیدن آن شایق شوند. پس بعد از شروع به درس، در موقع خود با اهمیت مخصوص، آن نمونه را از محفظه‌ی خود بیرون آورند و به شاگردان بنمایانند.

زندگی و فعالیت‌ها

میرزا جبار عسگرزاده معروف به **جبار باغچه‌بان** (۱۲۶۴، ایروان - ۴ آذر ۱۳۴۵) بنیان‌گذار نخستین کودکستان و نخستین مدرسه‌ی کر و لال‌های ایران در تبریز است. او هم‌چنین اولین مؤلف و ناشر کتاب کودک در ایران است. جدش از مردم تبریز بود. او ابتدا در تبریز کودکستانی را تحت عنوان «باغچه اطفال» دایر کرد و به همان خاطر خود را باغچه‌بان نامید. او مدرسه‌ی ناشنوایان را در سال ۱۳۰۳ با وجود مخالفت‌های زیاد از جمله مخالفت رییس فرهنگ وقت دکتر **محسنی** در تبریز دایر کرد. این کلاس جنب باغچه‌ی اطفال باغچه‌بان در کوچه‌ی انجمن تبریز در ساختمان معروف به «عمارت انجمن» تأسیس شد. او از سال ۱۳۰۷ خورشیدی، برخلاف دشواری‌های وسیع چاپ و کلیشه، چاپ کتاب‌های ویژه‌ی کودکان را با نقاشی‌هایی که خود می‌کشید، آغاز کرد. یکی از کتاب‌های وی با عنوان «بابا برفی» توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است و شورای جهانی کتاب کودک آن را به عنوان بهترین کتاب کودک انتخاب کرده است.

